



۲۰۱۵/۱۱/۱۵

حنیف رهیاب رحیمی

سیاستمداران جهادی یا جهاد گران سیاسی

موتر قراضه جهاد و سیاست را باز اندل زدند. به زور اندل و تيله آخر چالانش کردند، صدای نا هنجار و زشتی کشید، دود سیاه و چرک از پس و پیشش به فضا متصاعد گشت، دماغ همه را آزرده و در گوشها به شکل آزار دهنده ای خلید.



صدای دریور آن، همان رئیس جمهور دو ماهه سال ۱۳۷۱ مانند کسیکه از مابین قبرستان برای مردم بیرون پیام بفرستد بگوش رسید: ما هنوز هم با شما هستیم همراهی ملت مجاهد و مسلمان، همراهی مردم مستضعف. چند سال فرسوده تر از شیخ فانی شده، اما از پا نمانده، خود را به آب و آتش می زند که یا خودش و یا یک عضو خانواده اش را به یک مقام بلند دولتی بچسپاند.

دیگران هم همان دلالان و تیکه داران قدیم، همانهاییکه کشته اند، زده اند و ویران کرده اند. جزء عده انگشت شمار هواخواهان بی خبر و بی علم شان، مردم عادی حتی حاضر به دیدن چهره های منحوس شان نیستند. مردم از هر کدام شان خاطره زشتی، داغی و غمنامه فراموش نداشتنی دارند.

اما با بیشر می و چشم سفیدی باز تشریف شانرا کشال کرده و با طرح دیگری آرزو دارند در سر قافله قرار گیرند و افغانستان را یک چند دهه دیگر هم به عقب برگردانند.

حزبی را ساخته اند، با نام نو، با شعار جدید و خیلی هم مهربانانه و غم خورانه، به مهربانی دایه مهربان و به مکارگی روباه پیر. حزب شان بی طرف است، درست مانند موسیچه بیگناه و بی آزار و خاص از برای رضای پروردگار. نه شرقی نه غربی، نه دولتی و نه سیاسی. عندالله برای روز مبدا که اگر خدا نخواسته دولت عالیه و

قانونی برحال به خطر انقراض مواجه گردد، این حزب خیر خواه و نیک اندیش و حاضر به فداکاری، دست و آستین بر زده کشور و رژیم را به سرحد نجات رهنمون می سازند. به نامهای بنیانگذار های این شورا که همه شان چهره های کهنه جهادی و اعضای عالیرتبه حکومت فعلی و از هم پیمانان اشرف غنی هستند، توجه فرمائید:

حضرت صبغت الله مجددی، پیر سید احمد گیلانی، قاضی امین وقاد، قطب الدین هلال معاون راکتیار، سید حسین انوری، حاجی دین محمد، احمد ضیا مسعود و کریم خلیلی.

در دور و بر شان عمر زاخلوال، جمعه خان همدرد و انورالحق احدی نیز متملقانه چرخک زده و به مهمانان آب یخ تعارف می کنند و خوش آمدید می گویند.

از زبان های مُردار و فریب کار خود شان بشنوید:

پیر و پیر خانه همه شان: اصلاً هدف ما همی از بین بردن فساد، آوردن امنیت و پشتیبانی از کار های نیک حکومت که اگر خدا نخواسته این حکومت مختل میشه و از بین میره، خطرش برای افغانستان و ملت مسلمان افغانستان است. ما نمیخواهیم که حکومت از بین بره، اما باید اصلاح شوه.

(چقدر غم ملت مسلمان افغانستان به رگ رگ این شخص جای دارد. انسان که می شنود، گریه امان نمی دهد. ای وطن عزیز این قسم مردمان بنامت تجارت می کنند و دامن پاکت را آلوده ساخته اند.)



کریم خلیلی: بسیار واضح میگم یک شورای مستقل است، کاملاً مستقل، نه به کشوری متکی است، نه به کشوری وابسته است و نه به حکومتی وابسته است. به حکومت افغانستان ما به دیده قدر می نگریم، از کارهای خوب و کار های مثبت شان حمایت می کنیم، در لحظه های بحرانی یاری می رسانیم، حکومت وحدت ملی ره تنها نمی گذاریم.

(نمی دانم این آقایان مغز خر خورده اند یا مردم افغانستان را گوسفند های امر خیل خیال کرده اند. کاکا گوز که بزنی مردم می فهمند که شب پیش چه خورده ای، کوشش نکنین که با احساسات پاک مردم شریف این کشور بیش از این بازی کنین!!!)



احمد ضیا مسعود: پیامد انتخابات ما، به عوض اینکه ما شاهد شکل گیری یک حکومت منتخب مردم افغانستان یک حکومت ملی بوده باشیم، باز هم قدرت را بر اساس قومی تقسیم کردند و امروز در حکومت وحدت ملی هم ما دو محور سیاسی ره می بینیم که هویت قومی دارد و این بسیار خطرناک است.



(او برادر چرا هم به میخ میزنی و هم به نعل. عجب خر گری و خرخری، نماینده خاص رئیس جمهور از عدم رعایت دموکراسی در انتخابات شکایت دارد. خو خودت هم در انتخابات شرکت داشتی چرا همانوقت نگفتی و یا مقاطعه نکردی؟ و باز حالا عضویت یک شورای جهادی را حاصل نموده و می گویند ما با هیچ حکومتی وابسته نیستیم یعنی چه؟ معما می گوین؟).

قطب الدین هلال، معاون راکتیار: کله هم دا نشو ز غملای چی یو خو کسان د ولس ټوله برخه لیک بی له مشوری وټاکي. د خارجی سیاست د تشکیلاتو او امتیازاتو په هکله، بی پروا عمل وکړی. دا ډول تصامیم د ولس په ضرر گڼو او په علمی؟ لاره به یی انشاءالله مخنیوی کوو.



(دا تاريخ شرلي او تاريخ وهلي هغه زور او فرسوده کس دی چې د انسانيت او شرافت له لاری څخه هم ندی تیر شوی. ددی مشر لکه سپی یو وار یوی خواته خوله اچوی او یو وار بلی خواته، خو ټول په سپکه سترگه ورته کوری. او دادی اوس ددی جهادی ملی! کلینرانو سره یی ځان سنجاق کړی دی.)

قاضی امین وقاد: مونږ هغه افغانی طالبان چی له خپل ملک نه ناراضه دی او په خشونت! لاس پوری کړی، پر دوی باندی هم غږ کوم، ملا اختر محمد منصور، سراج الدین حقانی چی افغانستان ستاسو کور دی، مه یی ورنوی.



(واه واه کور دی ودان قاضی، له طالبانو راضی، دوی ټول ستاسو همدی غږ ته معطل وه او پخیر سره راروان دی!! دا بی عقله قاضی غواری چی پدی پلمه، منصور، حقانی او نورو جنایتکارانو ته وخت او چانس ورکړی چی نور هم خپل جنایاتو ته دوام ورکړی. قاضی صاحب دا ستا ملگری، هغه بی حیثیته او بی وجدانه، آی اس آی ته نوکر جنایتکاران دی چی باید افغانستان تسلیم ورکړل شی او د افغانستان دریدلی او غم ځپلی خلک پردوی باندی فیصله وکړی چی څه ډول جزا دوی ته ورکړل شی. افغانستان ددوی کور ندی بلکه ددوی د محاکمه کولو او مجازاتو ځای دی. کور دی خراب شه له داسی بی منطقی قضاوت سره چی قاضی هم یی او د افغانستان د خلکو پر قاتلینو غږ کوی چی راشی دا ستاسو کور دی...)

این عناصر کهنه و قراضه یکبار دیگر ثابت ساختند که اگر نصف نفوس افغانستان هم بوسیله آی اس آی و نوکران خریده شده شان کشته شوند، این قوم همچنان بالای مزار گلگون آنها، به قدرت رسیدن شانرا جشن می گیرند و هیچ تفاوتی برایشان ندارد.

این کهنه اندیشان می خواهند با موتر مادل دوصد سال پیش، با تابر های پنچر و ماشین زنگ زده شان، کشور را به شاهرای ترقی و تمدن برسانند! آرامش و صلح را پیاده کنند! و جالبتر از همه حکومت وحدت ملی را از سقوط نجات دهند! در حالیکه همه می بینند و می دانند که خود اینها بدنه و بادی حکومت قراضه وحدت ملی هستند که همه شاهد پارچه پارچه شدن و اضمحلال آن هستند.

با دیدن این حالت، جوانان و اهل خرد و علم و عناصر با درد وطن! بپا بخیزید و متحد شوید و نهضت نوین وطنپرستانه را تشکیل دهید و علیه این کهنه پرستان و از کار افتاده ها مبارزه کنید. کشور را نجات دهید وگرنه این مغز های پوچ و از کار افتاده، یک پروگرام دارند، اقتدار دایمی و امتیازات خودشان و بازهم خودشان و اولاده شان.

(پایان)